

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: nashrehoghoghepoya

■ کانال تلگرام: hoghoghepoyapub

■ کانال پیام رسان بله: pooya_law

■ کانال پیام رسان سروش: pooyalaw

■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجرای احکام مدنی

راهکارها و شیوه‌های اجرای

احکام مدنی و خانواده

(علمی - کاربردی)

حسین شفیعی

دانش پژوه دوره دکترای حقوق

مدرس دانشگاه و سرپرست مجتمع اجرای احکام مدنی و خانواده

(ویراست دوم با تجدید نظر و اضافات)

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

دیباجه ۱۵

مقدمه ۱۸

فصل اول: کلیات و قواعد عمومی عملیات اجرائی ۲۱

گفتار اول: اصول و مقدمات عملیات اجرائی ۲۲

مبحث اول: شرایط و اصول حاکم بر عملیات اجرائی ۲۳

الف) شرایط اجرای احکام ۲۴

ب) اصول حاکم بر اجرای احکام ۲۴

مبحث دوم: علل اطاله عملیات اجرائی ۲۷

الف) عوامل مربوط به احکام، اجرائیه و روند عملیات اجرایی ۲۷

ب) عوامل مربوط به قوانین خاص ۳۳

گفتار دوم: سازمان اجرای احکام مدنی ۳۷

مبحث اول: متولیان اجرا و تفکیک مقام قضائی و اداری ۳۷

الف) قانون اجرای احکام مدنی ۳۷

ب) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۳۸

مبحث دوم: ساختار شناسی اجرای احکام ۳۹

گفتار سوم: اجرائیه و ضوابط آن ۴۵

مبحث اول: لزوم صدور اجرائیه ۴۵

الف) در مورد احکام صادره از شوراهای حل اختلاف ۴۶

ب) در مورد احکام صادره از هیات‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار ۴۶

ج) در مورد احکام صادره از ناحیه داور ۴۷

مبحث دوم: شناسایی ذینفع برای درخواست صدور اجرائیه ۴۸

- الف) احکام عادی..... ۴۸
- ب) احکام معلق یا مشروط..... ۴۸
- ج) احکام متقابل..... ۴۹
- د) گزارش اصلاحی..... ۵۰
- مبحث سوم: تشریفات اجرائیه و تشکیل پرونده اجرائی ۵۱
- گفتار چهارم: کلیات راجع به عملیات اجرائی ۵۶
- ۱- انتقال طلب و محکوم به به ثالث..... ۵۶
- ۲- معرفی نماینده در روند عملیات اجرائی..... ۵۷
- ۳- شناسائی مخاطب اختاریه‌های عملیات اجرائی..... ۵۸
- ۴- پرداختی‌های خارج از پرونده اجرائی..... ۵۹
- ۵- توافقات طرفین حین عملیات اجرائی..... ۶۱
- ۶- اعطاء مهلت در روند عملیات اجرائی..... ۶۱
- ۷- تغییر آدرس محکوم علیه..... ۶۲
- ۸- مختومه و آمار کردن پرونده‌های اجرائی..... ۶۳

فصل دوم: عملیات اجرائی محکوم به کلی و دینی (عام)..... ۶۵

- گفتار اول: شیوه‌های وصول محکوم به کلی و دینی (وجه نقد)..... ۶۶
- مبحث اول: توقیف وجوه در حساب بانکی محکوم علیه..... ۶۷
- ۱- اشتباه بانک در رفع توقیف از حساب دارای موجودی..... ۶۸
- ۲- توقیف حساب ثالث متصل به کارت خوان موجود در محل کار محکوم علیه..... ۶۹
- ۳- شمول ماده ۶۰ قانون اجرای احکام مدنی بر توقیف وجه نقد..... ۶۹
- مبحث دوم: شرایط و کلیات توقیف اموال ۶۹
- ۱- عدم قبول مال تعرفه شده!..... ۷۰
- ۲- معرفی مازاد احتمالی اموال..... ۷۴
- ۳- آثار توقیف اموال..... ۷۶
- ۴- توقیف مال بدون تقاضای محکوم له..... ۷۷
- ۵- معرفی همزمان مال از سوی طرفین و ثالث..... ۷۹
- ۶- توقیف مال مشاعی..... ۸۰

- ۷ - معرفی یا توقیف مال مولی علیه (محجور) ۸۱
- ۸ - درخواست شخص ثالث برای رفع توقیف از مال ۸۲
- ۹ - «شروع به عملیات فروش» در ماده ۵۳ قانون اجرای احکام مدنی ۸۳
- ۱۰ - تقاضای تبدیل مال توقیفی از سوی ثالث ۸۳
- ۱۱ - بازکردن محل وجود مال توسط محکوم له ۸۴
- ۱۲ - رفع توقیف از مال پیرو صدور قرار قبول واخواهی ۸۴
- ۱۳ - وصول محکوم به از ماترک متوفی ۸۵
- ۱۴ - وصول محکوم به در محکومیت‌های تضامنی ۸۶
- بند اول: شرایط خاص توقیف اموال منقول ۸۷
- ۱ - توقیف خودرو مشاعی ۸۷
- ۲ - عدم شمول ماده ۶۱ قانون اجرای احکام مدنی به خودرو دارای سند مالکیت به نام محکوم علیه ۸۸
- ۳ - توقیف فیش حج (تمتع و عمره مفرده) ۸۸
- ۴ - توقیف سهام یا سهم الشرکه ۸۹
- ۵ - توقیف مال منقول با وجود ادعای ثالث ۹۰
- ۶ - توقیف رمز ارزها (ارز دیجیتال) ۹۰
- بند دوم: شرایط خاص توقیف اموال غیر منقول ۹۱
- ۱ - شیوه توقیف اموال غیر منقول ۹۲
- ۲ - توقیف آپارتمان ساخته شده توسط محکوم علیه علی رغم سند رسمی عرصه به نام ثالث ۹۳
- ۳ - توقیف ملک قولنامه‌ای محکوم علیه، علی رغم سند رسمی به نام ثالث ۹۴
- ۴ - معرفی یا توقیف مال غیر منقول مستند به سند وکالتی ۹۵
- ۵ - توقیف سرقفلی و حق کسب یا پیشه یا تجارت ۹۵
- مبحث سوم: توقیف نزد شخص ثالث ۹۶**
- ۱ - لزوم منجز و مطلق بودن مال یا طلب توقیفی نزد شخص ثالث ۹۸
- ۲ - مسئولیت ناشی از تخلف شخص ثالث: پرداخت محکوم به یا پرداخت خسارت ۹۹
- مبحث چهارم: توقیف حقوق و مزایای محکوم علیه ۱۰۰**

- ۱- کلیات کسر حقوق..... ۱۰۰
- ۲- واریز مستقیم کسر حقوق به حساب محکوم له..... ۱۰۲
- ۳- توقیف تمام مبلغ عیدی، پاداش و اضافه کار محکوم علیه..... ۱۰۳
- ۴- توقیف حقوق علی رغم پرداخت اقساط در سررسید..... ۱۰۳
- ۵- مانده حقوق محکوم علیه پس از کسر ربع یا ثلث..... ۱۰۴
- ۶- شمول ماده ۹۶ بر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی..... ۱۰۴
- ۷- عدم شمول ماده ۹۶ بر شهریه دریافتی طلاب حوزه‌های علمیه یا دانشجویان دانشگاه‌ها..... ۱۰۵
- گفتار دوم: حفظ اموال توقیفی..... ۱۰۶**
 - ۱- عدم معرفی حافظ از سوی طرفین..... ۱۰۸
 - ۲- خیانت حافظ یا عدم دسترسی به وی و اموال توقیفی..... ۱۰۹
- گفتار سوم: ارزیابی اموال توقیفی..... ۱۱۰**
 - مبحث اول: تمایز ارزیابی و کارشناسی در اجرا و دادرسی..... ۱۱۱**
 - مبحث دوم: تجدید ارزیابی..... ۱۱۳**
 - ۱- اعتبار نظریه کارشناس پس از گذشت ۶ ماه (تبصره یک ماده ۱۹ قانون کارشناسان)..... ۱۱۳
 - ۲- شیوه تجدید ارزیابی..... ۱۱۵
- گفتار چهارم: عملیات فروش اموال توقیفی (مزایده)..... ۱۱۶**
 - مبحث اول: شرائط و ضوابط مزایده..... ۱۱۶**
 - بند اول: فروش عادی و عدول از مزایده یا تشریفات آن..... ۱۱۷
 - بند دوم: فروش از طریق مزایده..... ۱۲۰
 - ۱- تشریفات مربوط به قبل از جلسه مزایده..... ۱۲۴
 - ۱-۱- پرداخت معادل ریالی مال توقیفی (مبلغ ارزیابی شده) قبل از مزایده..... ۱۲۵
 - ۲-۱- موعد و محل مزایده..... ۱۲۵
 - ۳-۱- انتشار آگهی مزایده..... ۱۲۶
 - ۴-۱- دعوت طرفین یا ثالث به جلسه مزایده..... ۱۲۸
 - ۲- تشریفات مربوط به حین جلسه مزایده..... ۱۲۸

- ۲-۱- فروش مال به قیمتی کمتر از میزان ارزیابی در مزایده دوم..... ۱۲۸
- ۲-۲- افزایش میزان بدهی توقیفی اول در جلسه مزایده..... ۱۳۰
- ۲-۳- افزایش بدهی سند رهنی در جلسه مزایده..... ۱۳۱
- ۳- تشریفات مربوط به بعد از جلسه مزایده..... ۱۳۲
- ۳-۱- ارسال اظهاریه‌های موضوع مادتین ۱۴۲ و ۱۴۴ برای مالک..... ۱۳۲
- ۳-۲- «کلیه بدهی و خسارات و هزینه‌های اجرائی» در ماده ۱۴۴..... ۱۳۳
- ۳-۳- اعمال ماده ۴۴ در تقسیم ماترک و دستور فروش..... ۱۳۳
- ۳-۴- پرداخت وجه ناشی از مزایده به محکوم‌له..... ۱۳۳
- ۳-۵- برگزاری مزایده سوم..... ۱۳۴
- ۳-۶- تقاضای محکوم له برای قبول مال پس از برگزاری مزایده و نبود خریدار..... ۱۳۵
- ۳-۷- عدم فروش مال موضوع قرار وثیقه طی ۲ مرحله مزایده..... ۱۳۵
- ۳-۸- تحویل مال غیر منقول به برنده مزایده..... ۱۳۶
- مبحث دوم: بطلان و تجدید مزایده ۱۳۶**
- ۱- نکات کلی در تنفیذ مزایده..... ۱۴۱
- ۲- تنفیذ مزایده‌های نیابتی..... ۱۴۱
- ۳- تکلیف مزایده بعد از انتقال سند و صدور حکم به قبول اعتراض ثالث اجرائی..... ۱۴۲
- ۴- فروش بیش از میزان آگهی شده از ملک، به جهت افزایش محکوم به در روز مزایده..... ۱۴۳

فصل سوم: عملیات اجرائی به تبع محکوم به معین و عینی (خاص)..... ۱۴۵

- گفتار اول: محکوم به عین معین ۱۴۶**
- مبحث اول: حالت‌های خاص عین معین ۱۴۸**
- ۱- تلف یا عدم دسترسی به عین معین..... ۱۴۸
- ۲- در اختیار ثالث بودن عین معین..... ۱۴۹
- ۳- شباهت ظاهری و تفاوت باطنی عین معین..... ۱۵۰
- ۴- معیوب بودن عین معین..... ۱۵۰
- ۵- غیر مالی یا غیر قابل تقویم بودن عین معین..... ۱۵۱

مبحث دوم: عین معین‌های خاص ۱۵۱

- ۱- محکومیت به پرداخت ارز خارجی..... ۱۵۱
- ۲- محکومیت به تحویل رمز ارزها (ارز دیجیتال)..... ۱۵۲
- ۳- اجرای احکام خلع ید به معنای عام (اعم از مشاعی، مفروزی، دعاوی ثلاث، تخلیه، تحویل، استرداد و...)..... ۱۵۲

گفتار دوم: محکوم به انجام تعهد ۱۵۶

- ۱- احراز امتناع محکوم‌علیه و ادعای توانائی انجام تعهد بعد از تبدیل تعهد..... ۱۵۸
- ۲- انجام تعهد به قید مباشرت محکوم علیه (تبصره ماده ۴۷)..... ۱۵۹
- ۳- اجرای حکم الزام به تنظیم سند رسمی..... ۱۶۰
- ۴- استناد به قانون تسهیل تنظیم اسناد رسمی..... ۱۶۴
- ۵- اجرای حکم تنظیم سند ملک با وجود رای از کمیسیون ماده ۱۰۰..... ۱۶۵
- ۶- اجرای حکم تکمیل بنا، اخذ پایانکار، اخذ صورتمجلس تفکیکی و تنظیم سند برای یک واحد از مجتمع چند واحدی..... ۱۶۵
- ۷- اجرای حکم الزام به فک رهن..... ۱۶۶
- ۸- اجرای حکم محکومیت کارفرما به پرداخت حق بیمه کارگر..... ۱۶۸
- ۹- اجرای حکم الزام به استرداد لاشه چک..... ۱۶۹

گفتار سوم: محکوم به احکام خاص خانواده ۱۷۰**مبحث اول: کلیات اجرای احکام خانواده ۱۷۱**

- بند اول: مهریه..... ۱۷۱
- بند دوم: استرداد جهیزیه..... ۱۷۲
- بند سوم: حضانت و ملاقات..... ۱۷۳

مبحث دوم: مصادیق خاص اجرای احکام خانواده ۱۷۴

- ۱- الزام زوج به برگزاری مراسم عروسی..... ۱۷۴
- ۲- محکومیت زوج به تهیه منزل و اثاث‌البیت..... ۱۷۵
- ۳- اثبات حضور زوجه در منزل مشترک علی‌رغم محکومیت زوج به پرداخت نفقه..... ۱۷۵
- ۴- مدیریت دریافت نفقات ماهیانه زوجه از زوج..... ۱۷۶
- ۵- کسر از حقوق زوج در صورت داشتن دو همسر..... ۱۷۶

- ۶- بازداشت برای نفقات مربوط به بعد از تاریخ درخواست تقسیط ۱۷۷
- ۷- محاسبه نرخ یوم الاداء در محکومیت به پرداخت عین سکه ۱۷۸
- ۸- امتناع طفل مشترک از ملاقات ۱۷۸
- ۹- اعمال ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده ۱۷۹
- ۱۰- امتناع متولی حضانت از تحویل طفل در راستای اجرای دستور موقت ۱۸۰
- مبحث سوم: دستور العمل نحوه اجرای احکام تمکین و نفقه ۱۸۰**
- الف: دعاوی تمکین بدون قید تهیه منزل و اثاث البيت ۱۸۲
- ب: دعاوی تمکین با قید تهیه منزل و اثاث البيت یا ضرورت فراهم شدن آن از نظر دادرس اجرا ۱۸۳
- ج: مدیریت پرونده‌های نفقه جاریه ۱۸۴

فصل چهارم: ضمانت اجرای غیر مستقیم (تقسیت، حبس، ممنوع الخروجی و محرومیت از حقوق اجتماعی) ۱۸۷

- گفتار اول: اعسار و تقسیط ۱۸۸**
- مبحث اول: کلیات اعسار و تقسیط ۱۸۹**
- مبحث دوم: احکام خاص اعسار و تقسط ۱۹۱**
- ۱- ترتیب اثر دادن به احکام تقسیط و تعدیل غیر قطعی ۱۹۱
- ۲- تاریخ شروع و محاسبه پرداخت اقساط ۱۹۱
- ۳- کشف مال بعد از تقسیط مستند به گزارش اصلاحی ۱۹۲
- ۴- اخذ مبلغ نقدی (پیش قسط) مقرر در حکم تقسیط ۱۹۳
- ۵- تسری حکم عسار و تقسیط به سایر محکومیت‌ها ۱۹۳
- ۶- محکومیت‌های متعدد و اخذ احکام تقسیط جداگانه ۱۹۵
- ۷- محاسبه وجه نقد یا مال کشف شده بعد از تقسیط از اصل محکوم به ۱۹۶
- ۸- پرداختی‌های محکوم علیه در راستای حکم تقسیط و احکام تعدیل نقض شده ۱۹۷
- گفتار دوم: حبس محکوم علیه ۱۹۷**
- مبحث اول: جلب ۲۰۰**
- ۱- شرایط تجویز جلب (بازداشت) ۲۰۰
- ۲- اختیار یا تکلیف بودن موافقت یا مخالفت با جلب ۲۰۱

- ۳- ضوابط صدور و اجرای برگ جلب..... ۲۰۲
- ۴- ردیابی و شنود تلفنی برای جلب و بازداشت..... ۲۰۳
- ۵- جلب و بازداشت در فرجه ۳۰ روزه طرح دعوی اعسار و تقسیط..... ۲۰۴
- ۶- جلب و بازداشت توام با اقدام علیه وثیقه گذار یا کفیل..... ۲۰۵
- ۷- جلب و بازداشت برای اقساط سر رسید شده بعد از تقاضای محکوم له برای جلب..... ۲۰۶
- ۸- ادعای محکوم علیه مبنی برداشتن بیماری مانع تحمل حبس..... ۲۰۶
- ۹- اعزام محکوم علیه مجلوب برای واخواهی به شعبه مربوطه..... ۲۰۷
- ۱۰- اعلام محکومیت جدید محکوم علیه به زندان..... ۲۰۷
- ۱۱- ادعای محکوم علیه مجلوب به اینکه غیر از محکوم علیه پرونده است..... ۲۰۸
- ۱۲- بازداشت برای هزینه‌های اجرایی..... ۲۰۹
- ۱۳- بازداشت برای وصول نیم عشر..... ۲۰۹
- ۱۴- بازداشت پس از دو مرحله مزایده و عدم فروش مال..... ۲۱۰
- ۱۵- بازداشت در فرضی که مال توقیفی کفایت کل محکوم به را نکند..... ۲۱۱
- ۱۶- بازداشت بیش از ۲۴ ساعت در بازداشتگاه مرجع انتظامی..... ۲۱۲
- ۱۷- بازداشت برای وصول وجه نقد موضوع عین معین (اعمال ماده ۴۶)..... ۲۱۲
- ۱۸- بازداشت برای وصول وجه نقد موضوع انجام تعهد (اعمال ماده ۴۷)..... ۲۱۳
- ۱۹- بازداشت در جریان اعاده عملیات اجرائی (اعمال ماده ۳۹)..... ۲۱۴
- ۲۰- بازداشت به تقاضای کفیل یا وثیقه گذار..... ۲۱۴
- ۲۱- بازداشت مدیر عامل در فرض محکومیت شخص حقوقی..... ۲۱۵
- ۲۲- بازداشت برای اجرای آراء داورى و هیات‌های اداره کار..... ۲۱۶
- ۲۳- بازداشت برای محکومیت‌های مالی کیفری..... ۲۱۶
- ۲۴- مرخصی و بند باز محکومین مالی..... ۲۱۶
- ۲۵- مدیریت پرونده‌های زندانی دار..... ۲۱۷
- مبحث دوم: رفع جلب و بازداشت محکوم مالی..... ۲۱۹**
 - بند اول: موارد کلی رفع جلب و بازداشت..... ۲۱۹
 - بند دوم: رفع جلب با وصول نظریه کارشناسی یا قطعیت آن..... ۲۱۹
 - بند سوم: رفع جلب از تاجر ورشکسته..... ۲۲۰

گفتار سوم: اخذ تأمین ۲۲۱**مبحث اول: اشخاص موضوع اخذ تأمین ۲۲۱**

بند اول: محکوم علیه ۲۲۱

بند دوم: محکوم له ۲۲۲

بند سوم: شخص ثالث ۲۲۲

مبحث دوم: شیوه اخذ تأمین ۲۲۳

۱- میزان تأمین ماخوذه در فرض تقسیط محکوم به ۲۲۴

۲- ابلاغ به شخص کفیل و وثیقه گذار یا به وکیل آنها ۲۲۴

۳- رفع مسئولیت از کفیل و وثیقه گذار با معرفی محکوم علیه ۲۲۴

۴- رفع مسئولیت از وثیقه گذار با معرفی مال از سوی ثالث ۲۲۵

۵- اقدام علیه کفیل و وثیقه گذار بعد از معرفی مال از سوی محکوم علیه ۲۲۵

۶- اخذ تأمین در دادخواست‌های اعسار و تقسیط دوم و سوم ۲۲۵

۷- اخذ تأمین از محکوم علیه مدعی ورشکستگی ۲۲۶

گفتار چهارم: ممنوع الخروجی محکوم علیه از کشور ۲۲۷**مبحث اول: کلیات ممنوع الخروجی ۲۲۷****مبحث دوم: مصادیق خاص ممنوع الخروجی ۲۲۸**

۱- ممنوع الخروج کردن خواننده قرار تأمین خواسته یا دستور موقت ۲۲۸

۲- ممنوع الخروج کردن با فرض توقیف مال ۲۲۹

۳- ممنوع الخروج کردن برای هزینه‌های اجرائی ۲۲۹

۴- لغو قرار ممنوع الخروجی با صدور حکم تقسیط محکوم به ۲۲۹

گفتار پنجم: محرومیت از حقوق اجتماعی (ممنوع الخدمات کردن) ... ۲۳۰**فصل پنجم: توابع عملیات اجرائی ۲۳۳****گفتار اول: اعتراض شخص ثالث ۲۳۴****مبحث اول: شناسایی ثالث و اعتراض وی ۲۳۵**

بند اول: اعتراض شخص ثالث موضوع ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی ۲۳۵

بند دوم: اعتراض شخص ثالث موضوع ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی ۲۳۶

بند سوم: اعتراض شخص ثالث موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی ۲۳۶

مبحث دوم: کلیات اعتراض ثالث	۲۳۹
۱- تفاوت مادتين ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی با ماده ۴۴ همان قانون	۲۳۹
۲- نحوه اعمال ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی	۲۴۰
۳- ادعای حق در عین یا منافع محکوم به پس از اجرای حکم	۲۴۰
۴- ضرورت «مقدم بر تاریخ توقیف بودن» احکام قطعی استنادی ثالث	۲۴۰
۵- وکالت نامه رسمی منتسب به ثالث به عنوان اعتراض ثالث اجرایی	۲۴۱
۶- پذیرش اعتراض ثالث اجرائی بعد از انتقال سند به نام برنده مزایده	۲۴۲
۷- عدم تسری حکم پذیرش اعتراض ثالث به سایر توقیفات مقدم	۲۴۲
گفتار دوم: نیابت	۲۴۳
گفتار سوم: مستثنیات دین	۲۴۶
مبحث اول: کلیات مستثنیات دین	۲۴۶
مبحث دوم: بررسی برخی مصادیق مستثنیات دین	۲۴۹
۱- مبانی و ملاک‌های تشخیص مستثنیات بودن منزل مسکونی	۲۴۹
۲- اعمال تبصره ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی	۲۵۰
۳- مستثنیات دین در مورد سهم الارث محکوم علیه از منزل مورث	۲۵۱
۴- مستثنیات دین نبودن اعیانی مغازه	۲۵۱
۵- مستثنیات دین نبودن وجه‌الرهانه مغازه استیجاری	۲۵۲
۶- مستثنیات دین نبودن پروانه کسب داروخانه	۲۵۲
۷- مستثنیات دین در مورد خودروهای مخصوص جانبازان	۲۵۳
۸- مستثنیات نبودن اموال موضوع کسب و کار	۲۵۳
۹- مستثنیات دین در مرحله تأمین خواسته	۲۵۳
۱۰- مستثنیات دین در جریان اعمال ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی	۲۵۴
گفتار چهارم: هزینه‌های اجرا و نیم عشر دولتی	۲۵۵
مبحث اول: کلیات هزینه‌های اجرائی و نیم عشر دولتی	۲۵۷
مبحث دوم: حق الوکاله وکیل در اجرای احکام	۲۵۹
گفتار پنجم: تادیه طلب	۲۶۰

- ۱- پرداخت مبلغی بیش از محکوم به به محکوم له..... ۲۶۲
- ۲- مدیریت وصول اقساط با توافق طرفین..... ۲۶۲
- ۳- محاسبه خسارت تأخیر تادیه..... ۲۶۳
- ۳-۱- توقف محاسبه خسارت تأخیر تادیه در فرض صدور حکم تقسیط .. ۲۶۴
- ۳-۲- اخذ خسارت تأخیر تادیه از ضامن پیرو صدور حکم ورشکستگی متعهد اصلی..... ۲۶۵
- ۳-۳- عدم تعلق خسارت تأخیر به محکوم به توقیفی به موجب قرار تأمین خواسته..... ۲۶۵
- ۳-۴- محاسبه خسارت تأخیر تادیه از زمان مزایده تا تنفیذ و انتقال سند..... ۲۶۶
- گفتار ششم: اعاده عملیات اجرائی..... ۲۶۶
- ۱- ادعای مستثنیات دین در جریان اعمال ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی..... ۲۶۹
- ۲- ابطال سند اجرایی یا سند ملک مزایده‌ای که به ثالث منتقل شده است..... ۲۶۹

پیوست‌ها..... ۲۷۱

- منابع..... ۲۸۷

به نام او که اول است و آخر

دیباچه

۱- در مقدمه کتاب «حقوق حاکم بر اجرای آرای «مدنی»، بعد از اشاره به تحولاتی که در قلمرو حقوق دادرسی و دعاوی رخ داده و می‌دهد اشاره داشتیم که از اهم این رشته‌ها، می‌توان به حقوق حاکم بر اجرای آرای «مدنی» اشاره داشت. سهم مقنن به عنوان منبع اصلی نظام حقوقی ایران و رویه قضایی به عنوان حاکم بلامنازع در صحنه اجرا، در مقایسه با اهمیت این رشته حقوقی ناچیز است. دکترین نیز وصف مناسب تری ندارند و تحقیقات اندک و البته قابل تقدیر نویسندگان نمی‌تواند خلا محسوسی را که در این رشته وجود دارد، پر کند علت چیست؟ به باور ما علت یا یکی از علل اصلی را میتوان در فقدان رویه قضایی منظم در این حوزه دانست که ریشه در ماهیت و موقعیت قواعد آن و مراجع تصمیم گیر دارد. سابق بر این نیز گفته‌ایم که رویه قضایی حتی در نظام‌های قانونی اگر پیشتر از قانون نباشد همگام با آن حرکت می‌کند و بنابراین توسعه آن در قالب مجموعه‌های منظم؛ مقنن و دکترین را به حرکت در می‌آورد. در مورد حقوق حاکم بر اجرای آرای، مدنی تصمیم‌ها جز در مورد بخش ناچیز آن، نقش مهمی در آن دارد و اتصاف مقام اداری ثبت و در قالب دادنامه در نمی‌آید و مخفی و پوشیده می‌ماند دشوار می‌کند تصمیم‌ها معارض است و مکرراً تغییر می‌کنند، مراجع عالی مانند «رویه قضایی» تصمیم آن را به دیوان عالی کشور در جریان اقدامات اجرایی نیستند و.... بنابراین چگونه می‌توان موقعیت اقدامات اجرایی را در نظام حقوقی به دست آورد و اعتبار سنجی کرد و چگونه می‌توان از توسعه اندک این حقوق گلایه داشت و دکترین یا رویه قضایی را مقصر اعلام کرد؟ شایسته است.... مجموعه ای از رویه قضایی، به فراخور ماهیت اجرای رأی تهیه و نقطه آغازینی برای توسعه این رشته باشد.

۲. قانون اجرای احکام مدنی، با ۴ دهه و اندی سال سابقه، هنوز هم کاراست و انصافاً اگر چهارچوب آن حفظ و مبنای یک قانونگذاری نو با الحاق و تصحیح قرار گیرد، باز هم قابل اعتماد به نظر میرسد شاید عیب مهم این قانون در وضع فعلی،

جامع نبودن باشد که آن هم مرهون تغییرات بسیار در دعاوی و صورت‌های قضایی است.

جوانه‌های بسیار در حاشیه این قانون اکنون به درختچه یا درختان بزرگی تبدیل شده‌اند و نفقه همه آنها از توان قانون پدر خارج شده است از این رو، مقنن به مناسبت مقررات مختلف قواعدی را به نظام اجرای احکام اعم از دادگستری یا ثبتی یا مالیاتی و... پیوند می‌زند تا ای بسا نقص قانون را کمتر کند ولی این جوانه یا پیوندها، از یک سو برخلاف قواعد تقنین است زیرا به جای وحدت به کثرت قوانین منتهی می‌شود و یافتن و اشراف بر آن را دشوارتر می‌کند که نمونه آن را می‌توان در بند ج ماده ۲۴ الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ مشاهده کرد و از سوی دیگر، مسکن است نه درمانگر بایسته است که مراجع تصمیم‌گیر با تهیه پیش نویس جامعی در این زمینه با رعایت دقیق اموری که در زمان اجرا می‌تواند رخ دهد و اجتناب از خست قانونی کلی‌گویی فرار از وقایع و احاله به رویه قضایی و...)، هرچه زودتر وضعیت اجرای آرای مدنی را به سامان رسانند.

۳. ویژگی‌های اجرای آرای، مدنی بدون سرد و گرم چشیدن در قسمتهای اجرا، تجربه شکست یا پیروزی و کالتی در این حوزه به سنگ خوردن سر در برخی امور آن، گرفتار شدن در وضعیت‌هایی که مستلزم سرعت است تا دقت و تجربه تصمیم‌های معارض، به خوبی درک نمی‌شود آیا واقعا اجرای حکم، شروع یک دادرسی تازه است؟ اینکه این ادعا مبنایی هم دارد یا تنها یک واقعیت تلخ محسوب می‌شود؛ جای بررسی دارد همین قدر می‌توان گفت که طواری اجرای احکام به نحوی است که همیشه یک رسیدگی شبه قضایی را می‌طلبد اما مقنن باید آتش آن را مهار کند نه اینکه همانند قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۹۳/۷/۱۵) به آن بدمد! قواعد اجرای احکام باید با تصور همه اشکالات و وضعیت‌هایی که ممکن است چه برای طرفین یا اشخاص ثالث رخ دهد انشاء گردد و در حد، امکان از اختیار قضایی یا اداری خارج شود تا سرعت که مهمترین هدف اجراست، تأمین گردد؛

هرچند با فرایند کهنه و سنگین تدوین قانون در نظام حقوقی ما و مدعیانی که همیشه با سنگ اندازی سنتی در این مسیر حضور دارند، این آرزو نیز نباید بر ما عیب باشد! ۴. بیگمان آنهایی که بخشی از تجربه خود را در قسمت‌های اجرا به دست آورده‌اند، با ثبت تجارب و البته مزین کردن به مبانی علمی (حقوقی و فقهی)، می‌توانند سهم مهمی در توسعه حقوق اجرا آرای مدنی و تنقیح تصویب و تدوین قواعد آن داشته باشند. آنها پزشکانی هستند که بر سر بیمار حضور دارند و بهتر از کسانی که از دور همه چیز را با پهباد کنترل کنند می‌توانند قاعده اجرایی را تطبیق دهند. کتاب حاضر با بررسی مسائل و فروعی که در زمان اجرای آرای مدنی (دادگاه عمومی حقوقی و خانواده)، رخ می‌دهد، می‌تواند هم به خواننده کمک کند که بی مقدمه وارد اصل موضوع شود و پاسخ بخشی از سوالات اجرایی خود را بیابد و هم برای جمع کردن مسائل و تبدیل به قواعد حقوقی برای تدوین قانون جامع مفید به نظر میرسد. برای نویسنده محترم که از قضات خوب دادگستری مشهد هستند آرزوی موفقیت دارم و مطالعه آن را برای علاقه مندان توصیه می‌نمایم.

دکتر عبدالله خدابخشی

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

مشهد الرضا (علیه السلام) - پنج شنبه ۱۳۹۸/۸/۹

مقدمه

بی تردید در هر سیستم قضائی، اجرای سریع، دقیق و کامل احکام صادره از مراجع ذیصلاح، شاید مهمتر از اصل صدور حکم و فصل خصومت نباشد، ولی اهمیتی کمتر از همان مرحله نداشته و نیازمند توجه و دقت نظر کافی است. اساتیدی که زمانی در بطن امور اجرای احکام بوده‌اند به حق، مرحله اجرای احکام را مهمتر و حتی به مراتب سخت‌تر از مرحله دادرسی دانسته‌اند.^۱ «اجرای رای به مراتب از دادرسی که منتهی به صدور آن می‌شود دشوارتر و پیچیده‌تر است. در امور حقوقی صدور رای تنها ممکن است با اطلاع رسیدگی همراه شود اما فرآیند رسیدن به رای، دشواری کمتری در مقایسه با اجرای رای دارد... در زمان اجرای رای، اولاً، نتایج عملی تصمیم و آثار نامطلوبی که ممکن است به بار آورند، انتخاب راهکار قانونی را دشوار می‌کند و در بسیاری از موارد، دادرسی یا دادورز از تأمل در موضوع باز می‌ماند، ثانیاً، اجرای رای در موارد بسیاری فرصت تفکر و انتخاب نظر مطلوب را به متولیان اجرا نمی‌دهد، ثالثاً، اجرای رای با اصل سرعت همراه است و متولی اجرا در مواردی باید تصمیمی آنی اتخاذ کند، تصمیمی که برخلاف زمان دادرسی به دلیل حدوث اتفاقات متعدد قابل پیش بینی نیست و در چنین فضائی امکان صدور تصمیم‌های متعارض یا عدول از تصمیم سابق امری طبیعی به نظر می‌رسد».^۲

حجم زیاد نظریات مشورتی صادره از اداره حقوقی قوه قضائیه، سوالات و ابهامات مکرر رد و بدل شده بین واحدهای اجرای احکام و مراجع صادرکننده اجرائیه (محاکم حقوقی یا شوراهای حل اختلاف)، پیگیری‌های بی شمار مراجع نظارتی پیرو ادعاها و شکایت‌های انتظامی محکوم له و محکوم علیه به ادعای انحراف از اجرای صحیح احکام و تخلف از مقررات، همگی شاهدی بر صحت این

۱. مهاجری، علی، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی جلد ۱، انتشارات فکر سازان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۸، صفحه ۹.

۲. خدابخشی، عبدالله، حقوق حاکم بر اجرای آرای مدنی، انتشارات سهامی نشر، چاپ اول، ۱۳۹۳، صفحه ۱۴۲.

ادعا است. عدم توجه جدی مسئولین قضائی در طی سالیان گذشته به تخصیص نیروهای اداری و قضائی کارآمد و با انگیزه، سبب شده روند اجرای احکام مدنی و خانواده با کندی مواجه و موجبات نارضایتی و اعتراضات طرفین را فراهم نماید. در همین راستا می‌توان عدم اجرای صحیح و دقیق احکام را یکی از علل افزایش پرونده‌های حقوقی و کیفری نیز دانست.

نبود راهکارهای مؤثر در الزام محکوم علیه به اجرای حکم، ابهامات و سؤالات بعضاً اساسی، فوری و حادث شده در روند اجرا سبب می‌شود حکم صادره که بایستی نماد قدرت حاکمیت در احقاق حق و ابطال باطل باشد، نه تنها مورد بی مهری و حتی سوءاستفاده محکوم علیه واقع شود، بلکه دست اندرکاران اجرا را مورد مؤاخذه و بازخواست محکوم له و مراجع نظارتی در چرائی عدم اجرای قاطع و سریع حکم قرار دهد.

در میان آثار موجود در زمینه شرح و تفسیر اجرای احکام مدنی و خانواده که عمده‌تاً در زمینه اجرای احکام خاص خانواده مطلبی ندارند و یا علی‌رغم نگارش در سالهای اخیر، بی‌توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ و آیین نامه اجرایی آن بوده‌اند، گذشته از حجم زیاد مطالب، بیان نکات نظری و عدم توجه به واقعیت‌های عینی و عملی در جریان عملیات اجرائی، به نظر می‌رسد به طور ملموس، عینی و قاطع به ابهامات و اشکالاتی که در این قوانین بوده و واحدهای اجرای احکام مدنی در عمل با آنها مواجه می‌شوند، پرداخته نشده و عموماً به سکوت برگزار شده است. اکثر پرونده‌های اجرای احکام می‌تواند سرشار از تصمیمات دادورز (مامور اجرا)، مدیر، دادرس و قاضی اجرای احکام باشد. این تصمیمات مبتنی بر حکم صریح یا ضمنی قوانین، تجربه‌ها و رویه قضائی، مشورت با صاحب نظران و یا استنباط شخصی آنها است. در این نوشتار سعی شده در عین رعایت اختصار در مطالب، نکات و موارد مهم و کاربردی اجرای احکام مدنی و خانواده (بدون لحاظ اجرائیه‌های ثبتی و نظام اجرائی آنها) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ضمن بیان و توضیح مطالب ضروری، راهکارها، شیوه‌ها و پاسخ‌های علمی و کاربردی به ابهامات و سؤالات مربوط به روند اجرای احکام در هر دو

حوزه احکام مدنی و خانواده داده شده است. طرح نکات و پاسخ‌ها، با لحاظ تجربیات حاصله طی سالها کار در این حوزه، نظریات اداره حقوقی و مباحثات مطرح شده فی مابین متولیان اداری و قضائی اجرای احکام مدنی (خصوصاً مجتمع اجرای احکام مدنی و خانواده شهید مدرس مشهد) می‌باشد. برای بعضی از این پاسخ‌ها و راهکارها و بیان نظرات موافقین و مخالفین، مشخصاً منابع مکتوبی وجود نداشته و پاره‌ای از مطالب مربوط به مباحث مطروحه در فضای مجازی فی مابین دادرسان و قضات اجرای احکام مدنی است.^۱ طبیعی است هر کدام از این راهکارها که برگزیده شده، می‌توان برای نظر مخالف آن استدلالاتی داشت و متولی اجرا باید آنچه را که صحیح و هماهنگ با محتویات پرونده و تضمین کننده مدیریت صحیح عملیات اجرائی و خصوصاً اجرای حکم به نفع محکوم له می‌داند برگزیند.

کلیت اجرای احکام مدنی و خانواده را می‌توان در پنج حوزه اساسی دسته بندی نمود:

- ۱- کلیات و قواعد عمومی عملیات اجرائی
 - ۲- وصول محکوم به وجه نقد، توقیف مال و مزایده؛ که به عنوان محکوم به کلی و دینی محسوب می‌شود و اکثریت پرونده‌های اجرائی را در بر می‌گیرد.
 - ۳- اجرای احکام با محکوم به معین و عینی؛ به تعبیری خاص از حیث اینکه به نسبت اجرائیه‌های بند دو، نسبت کمتری از پرونده‌های اجرائی را در بر می‌گیرد و شامل محکوم به عین معین، انجام تعهد و احکام خاص محاکم خانواده می‌شود.
 - ۴- ضمانت اجراهای غیر مستقیم اجرای احکام؛ شامل بازداشت محکوم مالی و توابع آن اعم از اعسار و تقسیط، ممنوع الخروجی و
 - ۵- توابع اجرای احکام از قبیل اعتراض شخص ثالث، مستثنیات دین، هزینه‌های اجرا و ...
- بر همین اساس فصل بندی این نوشتار انجام و به توضیح مباحث مزبور پرداخته می‌شود.

۱. در این راستا، گروهی از دادرسان و قضات اجرای احکام مدنی سراسر کشور درگروهی در فضای مجازی با مدیریت نگارنده به تبادل نظر مشغول بوده و هستند.

گفتار اول: اصول و مقدمات عملیات اجرائی

عبارت « عملیات اجرائی » فی نفسه از بار معنایی کافی در اینکه چنین اقدامی لزوماً مقید به فراهم بودن مقدمات و ضوابطی خواهد بود، برخوردار است. نمی‌توان فعل و انفعالاتی در عالم واقع و به صورت فیزیکی انجام داد ولی برای آن حد و حدود و مقرراتی وضع نکرد. اهمیت این موضوع در جهت رعایت حقوق طرفین اجرا، اشخاص ثالث و خصوصاً محکوم له در وصول به حقی است که ممکن است پس از سال‌ها پیگیری به ثمر رسانده و مورد حکم قرار گرفته است.

« اجرای احکام نتیجه و حاصل تمام تلاش متداعین و دادرس است، اگر به موقع و به نحو صحیح، انجام نشود مفید فایده نخواهد بود. عمل قضاوت به مانند عمل کشاورز است که برای به ثمر رسیدن محصولش تمام سعی و تلاش خود را می‌نماید، تمامی آفات را دفع می‌کند و سرانجام در زمان رسیدن محصول است که نتیجه تلاش خود را می‌گیرد. چیدن و برداشتن محصول نیز دارای آداب خاصی است، اولاً، باید به نحوی باشد که به میوه صدمه وارد نیاید. ثانیاً، باید طوری باشد که باعث خشکی و بلا اثر شدن برای آینده نشود. اجرای احکام چنین وضعیتی دارد، اگر با دقت و با رعایت جهات و شرائط آن به درستی انجام پذیرد حاصل زحمات به ثمر رسیده است و گرنه هم نسبت به رای صادره و هم نسبت به نظام قضائی و آینده احکام تاثیر منفی خواهد گذاشت »^۱.

در ادامه، شرایط، اصول و مقدماتی برای اجرای احکام در دو گفتار اصول حاکم بر عملیات اجرائی و علل اطاله آن با لحاظ بعضی قوانین خاص در این حوزه بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. بهرامی، بهرام، اجرای احکام مدنی، انتشارات موسسه فرهنگی بینه، چاپ هشتم، ۱۳۹۶، صفحات ۲۰ و ۱۹.

مبحث اول: شرایط و اصول حاکم بر عملیات اجرایی

پهنه حقوق خصوصی به اعتبار مجازی و قراردادی بودن سرشار از احکام شکلی و ماهوی است و در واقع بن بستی در حل و فصل اختلافات طرفین و اظهار نظر نهائی در قالب صدور حکم یا گزارش اصلاحی از سوی مراجع ذیصلاح وجود ندارد. اما اجرایی و عملیاتی کردن این احکام به لحاظ غیر قابل پیش بینی بودن بعضی امور و دهها دلیل دیگر همیشه با سهولت همراه نیست. بعضاً روند اجرا با ابهامات و پیچیدگی هائی مواجه می شود که شاید سالها تلاش برای فراگیری علم حقوق و تجربه کار قضایی و اجرایی هم نتواند راهکاری قطعی و مسلم که دربرگیرنده همه جوانب باشد، برای آن دست و پا نماید. مثلاً چنانچه مهریه ای، یکصد سکه تمام بهار آزادی، یکصد میلیون ریال وجه نقد و یک سفر زیارتی تعیین شده و در جریان وصول آن، مبلغ پنجاه میلیون ریال از کسر حقوق زوج حاصل شده باشد، محاسبه این مبلغ در قبال هر کدام از این اقلام مهریه با لحاظ تفاوت در نحوه محاسبه، نتایج خاصی را در محاسبه نهائی در پی خواهد داشت.

در روند اجرای احکام مدنی و خانواده، چه آنجا که توسط مدیر و دادورز (مامور اجرا) اقدام می شود و چه جائیکه توسط مقام قضائی ذیصلاح تصمیمی در رسیدگی به اعتراضات و یا رفع ابهام یا اشکال از عملیات اجرایی اتخاذ می شود، مسائل مربوطه بیشتر از آنکه قضایی و مبتنی بر قانون باشد، نوعی مدیریت و اتخاذ تصمیم مدیریتی و انتخاب از بین چندین راه حل و تصمیم موجود است. متولی اجرا ناچار است در بعضی موارد از میان چندین راهکار و شیوه اقدام که در نظریات حقوقدانان یا رویه قضائی و خصوصاً نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه وجود دارد، یکی را انتخاب و بر همان اساس عملیات اجرایی را مدیریت نماید.

مدیر و دادورز (مامور اجرا) یا دادرس اجرا، عموماً در پی اتخاذ تصمیمات مدیریتی و قضائی، مورد اعتراض طرف مقابل است، از یک سو محکوم له پیوسته به دنبال اجرای حکم و خصوصاً وصول محکوم به از طرق مختلف است و با طرح درخواست هائی همچون جلب و بازداشت، کنترل دوربین های ترافیکی و یا شنود تلفنی برای رد یابی، استعلام آدرس مدرسه فرزند محکوم علیه از آموزش و

پرورش، ممنوع الخدمات کردن محکوم علیه در ادارات ثبت احوال در پی حصول نتیجه است. از دیگر سو محکوم علیه نیز در جهت حفظ دارایی خود و تعلل در عملیات اجرا که بعضاً ناشی از اعتقاد به ذی حق نبودن محکوم له در دریافت حکم موضوع اجرائیه است، با اقدامات ایذائی پیگیر غیر قابل اجرا و بعضاً مبهم شمردن حکم است یا دست کم متوسل به موضوع اعطاء مهلت، تقسط محکوم به، اعمال قواعد مستثنیات دین، معرفی مالی که در معاملات متعارف بازار هم خریدار ندارد و.... می شود. حتی زمانیکه روند اجرا ظاهراً و به آرامی در جهت اجرای حکم یا وصول محکوم به در حرکت است، ورود اختیاری یا قهری شخص ثالث، به اعتبار تصرف در محل یا ادعای مالکیت یا توقیف مقدم و سایر ادعاهای معمول، می تواند روند اجرا را با کندی و ابهامی جدید مواجه یا به کلی متوقف کند.

الف) شرایط اجرای احکام

با استنباط از قوانین و ملاحظه نوشته ها در مورد اجرای احکام مدنی و خانواده، موارد زیر به عنوان شرائط اولیه برای اجرای احکام تعیین شده است: ۱- قطعیت حکم (ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی) ۲- ابلاغ حکم (ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی) ۳- معین بودن موضوع حکم (مادتين ۳ و ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی) ۴- تقاضای محکوم له (ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی).

ب) اصول حاکم بر اجرای احکام

با تعیین هدف اجرای احکام به: «تلاش در جهت دستیابی حداکثری محکوم له به حق تثبیت شده در حداقل زمان ممکن» می توان در جهت سهولت کار و دستیابی به این هدف، اصولی به شرح زیر برای آن از قوانین مربوطه و رویه قضایی استخراج نمود. کارائی این اصول زمانی است که متولی اجرا در حیرت و سرگردانی قرار گرفته و با تمسک به این اصول می تواند عملیات اجرایی را مدیریت نماید:

۱- اصل استمرار اجرا

به این معنی که به مجرد شروع عملیات اجرایی هیچ مقامی حق توقف عملیات اجرایی را ندارد. طبق ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی: ((دادورز (مامور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی تواند اجرا را تعطیل یا قطع یا توقیف کند یا به تاخیر اندازد

مگر به موجب قرار دادگاهی که دستور اجرا داده یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تاخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسید محکوم له دائر به وصول محکوم به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تاخیر اجرا)). ماده ۸ قانون آیین دادرسی مدنی هم همین نکته را با زبان صریح تری بیان می کند: ((هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد)). پر واضح است همان دادگاهی که حکم صادر کرده هم بی جهت نمی تواند اجرا را قطع کرده خود را متوقف کند بلکه باید این توقف به موجب تصریح قانون باشد. مواردی مانند صدور قرار قبول و اخواهی و یا در مورد اعتراض ثالث که ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مقرر کرده است: دادگاه ((... در صورتی که دلایل را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می نماید...)). به موازات لزوم رعایت اصل استمرار عملیات اجرایی دو قانون خاص وجود دارد که به نوعی مخالف این اصل تلقی می شوند؛ یکی قانون منع توقیف اموال دولتی و دیگری قانون منع توقیف اموال شهرداری ها که در مبحث علل اطاله اجرا به آنها پرداخته شده است.

۲- اصل نسبی بودن اجرا

منظور آن است که حکم مورد اجرا فقط بین دو طرف قابلیت اجرا دارد و نباید معترض حقوق اشخاص ثالث گردید. مصداق مهم لزوم رعایت این اصل از یک سو ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی است که اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر متصرف مدعی حقی از عین یا منافع بوده که در این صورت دادورز ۱ هفته مهلت می دهد تا به دادگاه مراجعه و اگر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مهلت مذکور قرار دائر بر تاخیر اجرای حکم به اجرا ارائه نکند عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت. مصداق دیگر آن مادتين ۱۴۶ و ۱۴۷ است که در واقع مصادیق اعتراض ثالث اجرایی هستند و در جای خود هر دو نوع این اعتراض توضیح داده شده است. در توضیح همین اصل نسبی بودن اجرا